

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه قضاوت اخلاقی در ورزش ورزشکاران ایرانی

زهرا فتحی رضایی^{۱*}، سید حجت زمانی ثانی^۲ و زهره نجم آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۵

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین روایی و پایایی نسخه فارسی محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش ورزشکاران ایرانی است. تعداد ۱۹۶ ورزشکار ($M = 21/66$) دو پرسش‌نامه: ارزیابی محتوای قضاوت اخلاقی (پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش) و ارزیابی خشم و پرخاشگری (مقیاس خشم و پرخاشگری رقابتی) تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، آلفای کرونباخ، همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل عامل اکتشافی مناسب بودن چهار عامل از پنج عامل را نشان داد. نتایج نشان دادند که چهار عامل ۵۵/۵۴ درصد واریانس را تبیین می‌کند. پایایی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل و خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۵، ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۸۵ بدست آمدند. رابطه بین کل و خرده مقیاس‌ها نشان می‌دهند پرسش‌نامه ترجمه شده دارای همسانی درونی قابل قبولی می‌باشد. روایی سازه همگرا همبستگی مناسبی را بین پرسش‌نامه ترجمه شده و پرسش‌نامه خشم و پرخاشگری رقابتی در ورزش مناسبی را نشان می‌دهد. بنابراین، پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش از روایی و پایایی قابل قبولی در بین ورزشکاران برخوردار است و قابلیت این را دارد در ورزشکاران، مربیان و پژوهشگران مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: وجدان اخلاقی، ورزش، روایی، پایایی، تحلیل عاملی.

^۱ - دکترای تخصصی، استادیار، دانشگاه تبریز.

^۲ - دکترای تخصصی، استادیار رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز.

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

*- نویسنده مسئول مقاله: zahra.fathirezaie@gmail.com

پیشگفتار

تاثیرگذارترین روان‌شناسی که در مورد رشد اخلاقی مطالعه و بررسی کرده کهلببرگ^۱ (۱۹۷۸-۱۹۲۷) است. کهلببرگ به اخلاق به عنوان یکی از عوامل مهم رشد فکری و روانی انسان نگریده است. نظریه کهلببرگ بیش‌تر قضاوت و استدلال فرد را در یک مسئله اخلاقی مورد توجه قرار داده است (Shoaibi, 2012). با توجه به نظریه کهلببرگ، مراحل رشد اخلاقی هر فرد براساس توانایی‌های ذهنی و شناختی اوست. از دیدگاه کهلببرگ، هدف از آموزش موازین اخلاقی به فعل رساندن توانایی استعداد کودک است تا به او فرصت داده شود برای کنترل رفتار خود از قضاوت اخلاقی درست بهره بگیرد (Posada, Wainryb, 2008).

از دیدگاه پیازه^۲، رشد اخلاقی، که ناشی از رشد شناختی و کسب تجارب اجتماعی است، به معنای احترام به قوانین و رعایت حقوق دیگران است. پیازه (۱۹۳۲) روی هم رفته، نخستین فرد در توسعه تئوری قضاوت اخلاقی است که از دو روش برای ارزیابی و مطالعه قضاوت‌های اخلاقی استفاده کرده که شامل مصاحبه با کودکان در ارتباط با درک آن‌ها از قوانین و مصاحبه و داستان‌های اخلاقی کوتاه می‌باشد. چند سال بعد کهلببرگ (۱۹۵۸)، دیدگاه پیازه (۱۹۳۲) را درباره قضاوت اخلاقی/ رشد اخلاقی، از راه مطالعه رشد اخلاقی نوجوانان گسترش داد. تئوری رشد اخلاقی کهلببرگ فرض کرده است که پیشرفت افراد از راه مرحله‌ای در یک توالی ثابت شکل می‌گیرد (Kohlberg, 1984; Rest, 1979). وی پس از بررسی‌های چندین ساله متوجه شد افراد از نظر قضاوت اخلاقی در سطوح گوناگونی از رشد اخلاقی قرار دارند و رشد اخلاقی آنان طی شش مرحله از کودکی تا بزرگسالی ادامه دارد (Shoaibi, 2012).

بر اساس نظر کهلببرگ (۱۹۶۹) توانایی تفکر سیستماتیک و اصولی در حل کردن مشکلات اخلاقی با در نظر گرفتن اصول معین مطرح شده عدالت، می‌تواند استدلال اخلاقی در نظر گرفته شود. به هر حال، ورزش محیطی است که درک اصول عدالت تا حدودی متفاوت است (Shields, Bredemeier, 1995). به همین دلیل شیلدز و بردمیر (۱۹۹۵) پیشنهاد می‌کنند که ضروری است که اصولی که افراد را به انتخاب ارزش‌های معین براساس تصمیم‌گیری آن‌ها تحریک می‌کند، مورد بررسی قرار گیرند. کهلببرگ بر این باور بود که رشد اخلاقی فقط به وسیله رشد مغز اتفاق نمی‌افتد، بلکه تجارب نقش‌پذیری یا نگاه به مشکلات از دیدگاه‌های متفاوت، مهم هستند (Greene, Nystrom, Engell, Darley, Cohen, 2004).

¹ - Kohlberg

² - Piaget

روی هم رفته، قضاوت اخلاقی با دو مقوله رشد اجتماعی و رشد شناختی مرتبط است (Keung, 2013) از آن‌جا که قضاوت اخلاقی عامل مهمی در رشد مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران است (Minnameier, 2013) توجه به کاربرد راهکارهای موثر در رشد صحیح قضاوت اخلاقی دارای اهمیت است. قضاوت اخلاقی یک تصمیم شخصی است مبنی بر این‌که آیا آنچه مطرح شده وابسته به علم اخلاق است یا برعکس، به بیان دیگر، درست است یا نادرست. بر اساس تئوری رشدی- شناختی در نظر می‌گیریم که آیا این مهارت‌های شناختی می‌تواند به توصیف و توضیح تغییرات در رفتار ارائه شده افراد کمک کند یا نه (Weiss, Bredemeier, 1983). از سوی دیگر، این دیدگاه که ورزش یک نمایش برای بیان رفتار اخلاقی بوده و برآستی بر رشد اخلاقی تاثیرگذار است، گسترش یافته است. با این وجود، پژوهش‌ها برای رسیدگی به قابل قبول بودن این ادعا تا حدی دارای ابهام می‌باشد (Shields, Bredemeier, 1995). بریدمایر و همکاران پس از پژوهش‌های فراوان به این نتیجه رسیدند که شواهد کافی برای بیان رابطه علییتی بین فعالیت فیزیکی و رشد اخلاقی وجود ندارد (Shields, Bredemeier, 1995).

در نظر داشته باشید که اخلاق به تازگی به دو دلیل یکی از مشکلات عمده در روان‌شناسی ورزش شده است (Shields, Bredemeier, 1995; Stephens, 2000 & 2001; Kavussanu, Robert, 2005; Miller, Roberts, Ommundsen, 2005; Ntoumanis, 2002). نخست این‌که ورزش یکی از محبوب‌ترین نهادهای جامعه، این پتانسیل را داشته که ارزش‌ها را به نسل‌های آینده منتقل کند (Pargman, 1998). مشارکت ورزشی اغلب به عنوان ابزاری برای توسعه فضایل اخلاقی در نظر گرفته شده است (Weiss, Schmit, 2002). ورزش نه تنها می‌تواند سرگرم‌کننده باشد بلکه این پتانسیل را دارد که به عنوان یک روش برای آموزش مناسب در خدمت ارزش‌ها و ترویج توسعه اخلاقی جوانان کشور باشد. دوم این‌که پژوهش‌ها نشان داده که ورزش به هیچ وجه تضمین رشد اخلاقی مثبت نیست. ورزش اغلب در ارتباط با توسعه اختلالات اخلاقی است (Shields, Bredemeier, Gardner, Bostorm, 1995). به گونه مشابه، رسانه نقشی مهم در، در معرض قرار دادن ورزش به عنوان یک نهاد ورشکسته از نظر اخلاقی دارد، همان‌گونه که مثال‌های متعددی از رفتارهای غیراخلاقی رایج برای هردوی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای و دانشگاهی را برجسته می‌کند (Brooke, Crawford, 2005). در ده سال گذشته نمونه‌های بی‌شماری از تقلب، خشونت، عدم صداقت و دیگر رفتارهای غیراخلاقی در چهارچوب ورزش وجود داشت (Brooke, Crawford, 2005). در طول سه دهه گذشته، قضاوت اخلاقی/ عمل در ورزش و دیگر فعالیت‌های بدنی، از موضوع‌های مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران بود. شیلدز و بریدمایر (۱۹۹۸) چهار دسته از مقیاس‌ها و روش‌هایی که عملکرد اخلاقی در ورزش را تعیین می‌کنند، شناسایی

کرده‌اند. دسته نخست به صورت متمرکز بر روی محتوی اخلاقی تعریف شده‌اند. این موارد شامل ارزیابی ارزش‌ها، گرایش‌ها، باورها و قضاوت‌هاست. شناخته شده‌ترین ابزارها عبارتند از: سنجش مقادیر روکیچ (Rokeach, 1973)، مقیاس وب (Webb, 1969)، سیاهه انتخاب مقادیر حاحم-بلر (Hahm-Beller, Stoll, 1989) و مقیاس جهت‌گیری‌های رفتار مردانه ورزشی چند بعدی^۱ (MSOS) (Vallerand, Briere, Blanchard, Provencher, 1997). ابزارهای دیگر موجود در ارزیابی قضاوت اخلاقی عبارتند از: مصاحبه قضاوت اخلاقی (Kohlberg, Colby, 1987) و اندازه‌گیری بازتاب اجتماعی- اخلاقی (Gibbs, Widaman, Colby, 1982).

هم‌چنین، پرسش‌نامه‌ای با عنوان "نگرش به تصمیم‌گیری اخلاقی در ورزش جوانان و توصیف سطح نگرش اخلاقی در رقبای جوان" بمنظور اندازه‌گیری مقدار نگرش نسبت به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در ورزش در میان جمعیت جوانان نیز طراحی شده است (Lee, Whitehead, Ntomanis, 2007). پیروس^۲ در سال ۲۰۱۰ به بررسی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش^۳ بر اساس نظریه رشد شناختی پرداخته، و به وضوح از نیاز به دانستن محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش پشتیبانی کرده است. افزون بر این، محدوده سنی شرکت‌کنندگان ممکن است یکی دیگر از عوامل محدودکننده در این مطالعه باشد. بنابراین، نیاز به مطالعات بیشتر در راستای کسب حمایت برای روان‌سنجی این مقیاس دیده می‌شود (Proios, 2010). هم‌اکنون هیچ ابزار دقیق قابل اعتماد در زمینه ارزیابی قضاوت اخلاقی ورزشکاران در ایران وجود ندارد. بنابراین، پیشنهاد شده است که یک ابزار معتبر (برای مثال چیزی که محتوی ورزش را در بر بگیرد) برای اندازه‌گیری قضاوت اخلاقی در ورزشکاران موردنیاز است. بنابراین، برآینم در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه قضاوت اخلاقی در ورزش ورزشکاران ایرانی بپردازیم.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی- پیمایشی از نوع اعتبارسنجی است. فرایند آماده‌سازی و استفاده از پرسش‌نامه‌ای که در فرهنگ دیگری بوجود آمده مستلزم ترجمه و بازترجمه‌های متعددی است که بمنظور کسب اطمینان از معادل بودن مفاهیم پرسش‌نامه اصلی با پرسش‌نامه ترجمه شده انجام می‌گیرد (نسخه فارسی (پیوست A) و انگلیسی (پیوست B) پرسش‌نامه پیوست شد). هم‌چنین، در مطالعه مقدماتی، نسخه فارسی مقیاس در میان ۱۰ نفر از ورزشکاران به گونه آزمایشی بکار برده

¹ - Multidimensional Sportsmanship Orientations Scale (MSOS)

² - Proios

³ - Moral Content Judgment in Sport Questionnaire (MCJSQ)

شد و از قابلیت کاربرد آن اطمینان بدست آمد. پس از بدست آمدن پرسش‌نامه مورد نظر، پرسش‌نامه‌ها میان نمونه آماری توزیع، تکمیل و گرد آوری شد. در ضمن، به شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که پاسخ‌های آن‌ها محرمانه شمرده شده و تنها برای اهداف پژوهشی از آن بهره گرفته خواهد شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش ورزشکاران مرد در سطح ملی یا سطح اول مسابقات کشوری در رشته‌های گوناگون و در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال بودند. نمونه آماری با استفاده از روش خوشه‌ای تصادفی از بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی فوتبال، والیبال، بوکس، تکواندو، جودو، کاراته، فوتسال، دوومیدانی، شنا و چند رشته دیگر انتخاب شدند. در این پژوهش ۱۹۶ نفر شرکت‌کننده به گونه داوطلبانه شرکت داشتند. از ۱۹۶ نفر افراد مورد مطالعه، ۱۲٪ ورزشکاران شناگر، ۲۷/۵٪ فوتبالیست، ۸/۶٪ فوتسالیست، ۱۸/۳٪ والیبالیست، ۲۰٪ تکواندوکار، ۶٪ قایقران، ۷/۶٪ بوکسور بودند. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در مطالعه، $27/5 \pm 21/66$ سال و کمینه و بیشینه سن آن‌ها، ۱۶ و ۳۰ سال بود. معیارهای ورود نمونه آماری به پژوهش، رضایت و تمایل به همکاری در پژوهش و معیارهای خروج نمونه و تمایل نداشتن به شرکت در مطالعه بود. هم‌چنین، به همه آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنان محرمانه خواهد بود. پرسش‌نامه‌هایی که به گونه کامل تکمیل نشده بودند، در پژوهش مدنظر قرار نگرفتند. بنتلر (۱۹۹۳) توصیه کرده در چنین پژوهش‌هایی نسبت حجم نمونه به تعداد پارامترهایی که در مدل برآورد می‌شود باید دست‌کم پنج به یک و ترجیحاً ۱۰ به یک یا ۵۰ به یک باشد (Myvr, 1390). از آنجایی که مقیاس دارای ۲۴ گویه بود، بنابراین، تعداد ۱۲۰ نفر (براساس پنج به یک) برای این پژوهش کافی بود، اما با توجه به این‌که هرچه تعداد شرکت‌کننده‌ها بیش‌تر باشد، مدل با درستی بیش‌تری تبیین می‌شود.

ابزارهای پژوهش

ابتدا پرسش‌نامه داده‌های فردی شامل سن، رشته ورزشی، وضعیت قهرمانی و برخی از داده‌های دموگرافیکی دیگر، مورد استفاده قرار گرفت. سپس برای تهیه پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش با کسب اجازه از مؤلف پرسش‌نامه برای بررسی روایی محتوایی، ترجمه و آماده‌سازی این مراحل طی شد: مرحله ۱) دو نفر مسلط به زبان فارسی و انگلیسی به گونه جداگانه‌ای پرسش‌نامه اصلی را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه کردند. این دو ترجمه را نویسندگان مقاله و استادان رفتار حرکتی با یکدیگر مقایسه نمودند؛ مرحله ۲) دو نفر (متخصص زبان انگلیسی) به گونه

جداگانه‌ای متن را از زبان فارسی به زبان انگلیسی ترجمه کردند. در نهایت، دو ترجمه را نویسندگان مقاله و اساتید رفتار حرکتی با یکدیگر مقایسه کردند. پس از رفع اشکالات جزئی، ترجمه بدست آمده با ترجمه اصلی مقایسه شد که تفاوت چندانی بین نسخه باز ترجمه و نسخه اصلی وجود نداشت. در پایان نسخه فارسی پرسش‌نامه یاد شده تهیه گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مقیاس ۲۴ گویه‌ای پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش (۲۰۱۰)، شامل پنج عامل: نظم:هنجاری^۱ (گویه‌های ۱، ۲، ۳ و ۴)، عدالت^۲ (گویه‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)، مزایای خودخواهی^۳ (گویه‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴)، مزایای اجتماعی شدن^۴ (گویه‌های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹) و پیامدهای اجرای هماهنگ^۵ (گویه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴) با مقیاس لیکرت پنج سطحی ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم بود. هم‌چنین، از پرسش‌نامه خشم و پرخاشگری رقابتی ماکسول و موریس (۲۰۰۷) برای بررسی روایی سازه همگرا استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۱۲ گویه در دو عامل خشم (۶ گویه) و پرخاشگری (۶ گویه) است. فتحی-رضایی و همکاران (۱۳۹۲) همسانی درونی این پرسش‌نامه را ۰/۷۸ و پایایی زمانی‌اش را ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از روش‌های آماری تحلیل عامل اکتشافی برای بررسی روایی سازه، ضریب همبستگی پیرسون برای روایی سازه ثبات درونی و روایی سازه همگرا، ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی درونی و ضریب همبستگی برای پایایی بازآزمایی با استفاده از نرم افزار اس. پس. اس. اس نسخه ۲۰ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

برای تعیین روایی پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مولفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس استفاده شد. در تحلیل داده‌های پرسش‌نامه، مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری و آزمون کرویت بارتلت (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) نشان از وجود شواهد کافی برای انجام تحلیل عوامل دارد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری ۰/۸۶

^۱ - Normative Order

^۲ - Fairness

^۳ - Egoistic Consequences

^۴ - Social Consequences

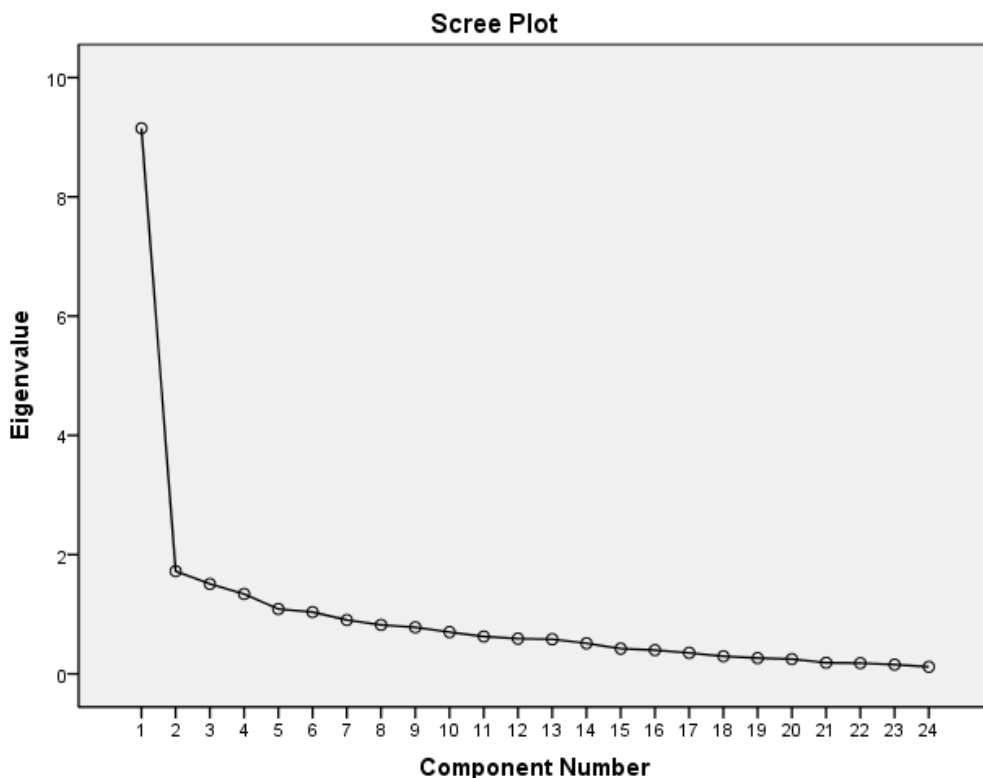
^۵ - Harmony-Serving Consequences

و مقدار خي آزمون بارتلت ۱/۱۹۱۲ و درجات آزادی برابر با ۲۷۶ محاسبه شد که در سطح $p < 0/0001$ معنی دار بود. آزمون کرویت نیز نشان داد که ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست و بنابراین عامل‌یابی قابل توجیه است. باتوجه به پرسش‌نامه تأیید شده به وسیله پنل نخبگان براساس پژوهش پیروس (۲۰۱۰) که با ۵ عامل ساخته شده بود در این پژوهش ۴ عامل بدست آمد. در کل ارزش چهار عامل بدست آمده بیش‌تر از یک بود که در شکل ۱ براساس نمودار اسکری نیز نشان داده شده است. به گونه ای که دو عامل (اول و دوم) در پرسش‌نامه بدست آمده پیروس (۲۰۱۰) به یک عامل در این پژوهش تبدیل شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان دادند که چهار عامل در کل ۵۵/۵۴ درصد واریانس را پیش‌بینی می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱- واریانس کلی مورد انتظار در چهار عامل.

عامل	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۴/۶۰	۱۹/۱۸	۱۹/۱۸
۲	۳/۷۴	۱۵/۵۸	۳۴/۷۶
۳	۲/۹۱	۱۲/۱۱	۴۶/۸۸
۴	۲/۱۰	۸/۶۷	۵۵/۵۴

شکل ۱، نمودار اسکری، نشان دهنده چهار عامل بدست آمده از تحلیل عامل اکتشافی را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نمودار اسکری بدست آمده از تحلیل عامل اکتشافی.

جدول ۲ نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. این جدول، افزون بر بارهای عاملی، همبستگی هر گویه را با نمره کل به عنوان روایی سازه همسانی درونی را نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود، گویه‌های ۹، ۱۴، ۱۷ و ۱۸ به دلیل داشتن بار عاملی بسیار پایین (مقدار کمینه مورد قبول بار عاملی ۰/۳ در نظر گرفته شده است) بر تمامی عوامل، یا داشتن بار عاملی معنادار در بیش از دو عامل مقیاس حذف شدند. با توجه به نتایج تحلیل عامل اکتشافی گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ در عامل نخست، گویه‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۳ در عامل دوم، گویه‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۹ در عامل سوم و گویه‌های ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ در عامل چهارم بارگذاری شدند.

جدول ۲- نتایج میانگین، انحراف استاندارد، بار عاملی و همبستگی گویه‌ها با نمره کل.

میانگین	انحراف استاندارد	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	همبستگی درونی
گویه ۱	۳/۱۰	۱/۳۲	۰/۷۰			۰/۶۶**
گویه ۲	۳/۹۵	۱/۰۸	۰/۵۹			۰/۶۳**
گویه ۳	۳/۷۱	۱/۱۹	۰/۵۴			۰/۷۰**
گویه ۴	۳/۸۳	۱/۱۴	۰/۴۶			۰/۶۳**
گویه ۵	۴/۱۰	۱/۰۵	۰/۵۸			۰/۶۸**
گویه ۶	۳/۸۰	۱/۱۲	۰/۵۹			۰/۷۱**
گویه ۷	۳/۵۰	۱/۲۱	۰/۷۶			۰/۴۸**
گویه ۸	۴/۱۱	۱/۰۳	۰/۴۸			۰/۶۲**
گویه ۱۰	۳/۱۰	۱/۱۱	۰/۸۲			۰/۳۰**
گویه ۱۱	۳/۱۴	۱/۱۷	۰/۸۲			۰/۴۶**
گویه ۱۲	۴/۰۴	۱/۰۴		۰/۶۷		۰/۶۲**
گویه ۱۳	۳/۷۳	۱/۰۴	۰/۴۰			۰/۷۲**
گویه ۱۵	۴/۱۰	۱/۰۹		۰/۴۷		۰/۶۵**
گویه ۱۶	۳/۹۱	۱/۰۷		۰/۸۱		۰/۵۹**
گویه ۱۹	۳/۸۴	۱/۰۹		۰/۶۳		۰/۶۷**
گویه ۲۰	۴/۲۳	۰/۸۹		۰/۶۹		۰/۷۴**
گویه ۲۱	۴/۲۶	۱/۰۵		۰/۷۷		۰/۷۵**
گویه ۲۲	۴/۳۳	۰/۹۳		۰/۷۰		۰/۶۶**
گویه ۲۳	۴/۳۸	۰/۹۳		۰/۸۰		۰/۵۹**
گویه ۲۴	۴/۲۵	۱/۰۶		۰/۵۹		۰/۵۲**

بمنظور بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش پایایی همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و منظور بررسی پایایی بازآزمایی، ضریب همبستگی پیرسون طی دوبار آزمون به فاصله دو هفته و در یک نمونه ۴۶ نفری استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳- ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی پیرسون بمنظور پایایی بازآزمایی در ۴۶ نفر برای چهار عامل بدست آمده پرسش‌نامه.

تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی بازآزمایی	عامل
۸	۰/۸۵	۰/۹۸*	عامل نخست
۳	۰/۷۰	۰/۹۷*	عامل دوم
۳	۰/۷۶	۰/۹۷*	عامل سوم
۶	۰/۸۵	۰/۹۸*	عامل چهارم
۲۰	۰/۹۱	۰/۹۹*	کل

* $p < 0.01$

نتایج جدول بالا نشان می‌دهند که ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، عامل نخست، عامل دوم، عامل سوم و عامل چهارم به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۵، ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۸۵ می‌باشد. همبستگی بین مقیاس محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش و مقیاس پرخاشگری و خشم رقابتی بمنظور بررسی روایی سازه همگرا بررسی شد. نتایج نشان دادند که بین مقیاس قضاوت اخلاقی در ورزش و مقیاس پرخاشگری و خشم رقابتی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.219$ ، $P = 0.005$).

بحث

این پژوهش به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش، اندازه‌گیری انگیزه ورزشکاران برای انتخاب‌های آنان در هنگام تصمیم‌گیری پرداخته است. برقراری رابطه، بین انگیزشی که منجر به انجام کاری که دربرگیرنده محتوای اخلاقی است و مقدار تمایل به انجام چنین کاری، که از راه جهت‌گیری هدف بیان شده است، اهمیت مشخص کردن انگیزش‌ها را بمنظور بیان یک عمل به عنوان عملی اخلاقی نشان می‌دهد. شواهد بیان شده در این مقاله به روشنی نیاز به دانستن محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش را مورد حمایت قرار داده است. این پژوهش بر پایه نظریه رشدی-شناختی کلبیگ می‌باشد (Proios, 2010).

نتایج این پژوهش نشان دادند که مقیاس ترجمه شده قضاوت‌های اخلاقی در ورزش از روایی سازه اکتشافی قابل قبولی برخوردار است. ۲۴ گویه مورد بررسی برای ۵ عامل تقسیم بندی شدند. که در این پژوهش عامل نخست و دوم به یک عامل تبدیل شدند و در کل چهار عامل مورد بررسی قرار گرفتند. به گونه‌ای که عامل نخست (که در واقع ترکیبی از نظم هنجاری و عدالت بود) با نه گویه ۱۹/۱۸ درصد از واریانس، عامل دوم (مزایای خودخواهی) با پنج گویه ۱۵/۵۸ درصد از واریانس، عامل سوم (مزایای اجتماعی شدن) با پنج گویه ۱۲/۱۱ درصد از واریانس و عامل چهارم

(پیامدهای اجرای هماهنگ) با پنج گویه $۸/۶۷$ درصد از واریانس را تبیین کردند و در کل $۵۵/۵۴$ درصد از واریانس تبیین شد. نتایج این پژوهش از نظر مقدار واریانس کل با نتایج پیروس (۲۰۱۰) همخوانی داشت. تنها تفاوتی که در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) و این پژوهش دیده می‌شود، این است که در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) تعداد عامل‌ها پنج مورد می‌باشد که در این پژوهش دو عامل نخست و دوم تبدیل به یک عامل شدند (یعنی عامل نظم‌هنجاری و عامل عدالت که در پژوهش پیروس نیز هر دو زیر مجموعه عامل قضاوت و وظیفه‌انگاران بودند، تبدیل شدند. به گونه‌ای که در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) درصد واریانس برای عامل نخست، $۲۳/۳$ ، برای عامل دوم $۱۲/۴$ ، برای عامل سوم $۷/۰$ ، برای عامل چهارم $۵/۷$ و برای عامل پنجم $۵/۲$ بدست آمد که در مجموع $۵۳/۶$ درصد از واریانس تبیین شد که درصد واریانس کلی بدست آمده در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) با نتایج بدست آمده از این پژوهش بسیار مشابه است. البته، باید خاطر نشان شد که در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) شاخص‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه همسانی درونی چهار خرده‌مقیاس پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش شامل عدالت ($۰/۷۸$)، مزایای خودخواهی ($۰/۷۳$)، مزایای اجتماعی شدن ($۰/۷۴$) و پیامدهای هماهنگی در خدمت ($۰/۷۵$)، قابل قبول بوده است. با این وجود، برای خرده‌مقیاس نظم‌هنجاری مقدار آلفای گزارش شده ($۰/۶۳$) پایین‌تر از $۰/۷$ بوده و پیروس بیان کرده که نتایج ناشی از این خرده‌مقیاس بایستی با احتیاط پذیرفته شود. بنابراین، نتایج این پژوهش دو عامل ترکیبی از دو عامل نظم‌هنجاری و عدالت در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) است.

تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود بین جوامع غربی و کشورهای اسلامی سبب تغییر در نوع نگرش افراد به شرایط و برداشت‌ها و تصمیم‌های متفاوتی از شرایط متنوع می‌شود که شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که سبب شده است در این پژوهش تعداد عامل‌ها از پنج به چهار کاهش یابد، تفاوت در نگرش افرادی است که از دو جامعه بسیار متفاوت به پرسش‌های مربوط به این پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند.

بررسی پایایی و هماهنگی درونی هر یک از عوامل مربوط به پرسش‌نامه نشان داد که پایایی عامل نخست $۰/۸۵$ ، پایایی عامل دوم $۰/۷۰$ ، پایایی عامل سوم، $۰/۷۶$ و پایایی عامل چهارم $۰/۸۵$ بوده و همچنین، پایایی کل پرسش‌نامه $۰/۹۱$ است. به این ترتیب هماهنگی درونی کل پرسش‌نامه و تمامی عامل‌ها در سطح مطلوبی بدست آمد. این نتایج با نتایج بدست آمده در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) هماهنگی دارد و تنها موردی که در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) مشاهده شد مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای مقیاس نظم‌هنجاری می‌باشد که پایین‌تر از $۰/۷۰$ بود. با این حال، در این پژوهش بیان شد که نتایج ناشی از این خرده‌مقیاس بایستی با احتیاط پذیرفته شود. این

یافته‌ها نشان می‌دهند که پرسش‌نامه استفاده شده در این پژوهش ابزاری معتبر است که می‌تواند به پژوهشگران روان‌شناسی ورزش در حوزه‌های مرتبط با قضاوت اخلاقی کمک کند. نتایج بدست آمده از همبستگی درونی گویه‌ها با نمره کل نیز نشان داده است که بین تمام گویه‌ها با نمره کل همبستگی معناداری وجود دارد که با نتایج بدست آمده در پژوهش پیروس (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد که بیانگر این است که آیتم‌های موجود در این مقیاس دارای محتوی مشترکی هستند. بمنظور بررسی روایی سازه همگرا از مقیاس پرخاشگری و خشم رقابتی استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین مقیاس قضاوت اخلاقی در ورزش و مقیاس پرخاشگری و خشم رقابتی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.219$, $P = 0.005$). هم‌چنین، نتایج این پژوهش نشان دادند که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین دوبار آزمون در این مقیاس وجود دارد. در این پژوهش مقدار همبستگی بدست آمده برای عامل نخست ۰/۹۸، برای عامل دوم و سوم ۰/۹۷، برای عامل چهارم ۰/۹۸ و همبستگی کلی ۰/۹۹ گزارش شده است که نشان‌دهنده پایایی بازآزمایی این ابزار در نسخه ترجمه شده است.

این یافته‌ها با نتایج بدست آمده به وسیله سینها و وارما (۱۹۶۷-۱۹۷۱) هم‌خوانی دارد. آن‌ها روایی آزمون قضاوت اخلاقی برای کودکان را مورد بررسی قرار داده و مقدار همبستگی را ۰/۹۳ و همسانی درونی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش کردند (Sinha, Varma, 1379).

در نهایت، براساس یافته‌های بدست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تمامی عامل‌ها و هم‌چنین، کل پرسش‌نامه از قدرت تشخیص لازم بمنظور بررسی قضاوت‌های اخلاقی ورزشکاران برخوردار است و پژوهشگران حوزه تربیت بدنی و ورزش می‌توانند از این پرسش‌نامه بر مبنای مدل چهار عاملی، به عنوان پرسش‌نامه‌ای روا و پایا در حوزه‌های گوناگون استفاده کنند و نتایج قابل اطمینانی را بدست آورند. هم‌چنین، می‌توان ادعا کرد که این پرسش‌نامه ابزاری است که از آن برای ارزیابی قضاوت اخلاقی شرکت‌کنندگان در شکل‌های گوناگون ورزش (برای مثال، مدرسه تربیت بدنی، ورزش‌های تفریحی و ورزش‌های رقابتی) مورد استفاده قرار گیرد. در پژوهش صورت گرفته به وسیله پیروس (۲۰۱۰)، جنسیت به عنوان یک عامل اثرگذار مورد توجه قرار گرفته و نتایج حاکی از این بود که محتوای قضاوت‌های اخلاقی تحت تاثیر جنسیت متفاوت خواهد بود که این موضوع بیانگر این است که مردان و زنان در مشاخره ممکن است انگیزه‌های متفاوتی در طول تصمیم‌گیری‌های اخلاقی خود داشته باشند. تفاوت‌های مرتبط با جنسیت در کارکردهای اخلاقی، مانند داوری، نیز در دیگر مطالعات مربوط به ورزش مورد حمایت قرار گرفته است (Miller, Roberts, Ommundsen, 2005). بنابراین، لزوم مطالعات بیشتری (از جمله در مورد

جنسیت) در جهت بدست آوردن حمایت‌های بیش‌تری برای روان‌سنجی پرسش‌نامه، خواص و کاربرد آن در ورزش و یا تنظیمات اجتماعی گسترده‌تر مورد نیاز است.

References

- Bredemeier, B., & Shields, D. (1998). Moral assessment in sport psychology. In J. L. Duda (Ed.), *Advances in sport and exercise psychology measurement* (pp. 257-276). Morgantown, WV: Fitness Information Technology.
- Brooke E. & Crawford, B.A. (2005). Moral atmosphere and pro-social collective norms: a case study of two collegiate athletic teams. Submitted to the Graduate School of the University of Notre Dame in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts.
- Colby, A., & Kohlberg, L. (1987). *The measurement of moral judgment. Theoretical foundations and research validation* (Vol. 1). New York: Cambridge University Press.
- Fathi Rezaie, Z. Abdoli, B. & Farsi, A. (1393). Determination of validity and reliability of Farsi version of the competitive aggressiveness and anger scale among athletes. *Journal of Sport Psychology*. 7. 1-14.
- Gibbs, J. C., Widaman, K. F., & Colby, A. (1982). Construction and validation of a simplified, group-administerable equivalent to the Moral Judgment Interview, 53, 895-910
- Greene, J. D. Nystrom, L.E. Engell, A.D. Darley, J.M. & Cohen, J.D. (2004). The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment. *Neuron* 44, 389-400.
- Hahm, C., Beller, J., & Stoll, S. (1989). A new moral values inventory. Paper presented at the annual convention of the Northwest District of the American Alliance for Health, Physical Education, Recreation, and Dance, Boise, ID.
- Hahm, C.H., Beller, J.M., & Stoll, S.K. (1989). The Hahm-Beller Values Choice Inventory. (Available from C. H. Hahm, J. M. Beller, and S. K. Stoll, the Center for Ethics, University of Idaho, Moscow).
- Kavussanu, M., Roberts, G. C., & Ntoumanis, N. (2002). Contextual influences on moral functioning of college basketball players. *The Sport Psychologist*, 16,347-367.
- Keung, H. (2013). 'The Moral Development of the Child: An Integrated Model', *Public Health*, 1 (5).
- Kohlberg, L. (1976). Moral stages and moralization. The cognitive-developmental approach. In T.
- Kohlberg, L. (1981). *Essays on moral development: The philosophy of moral development* (Vo1. 1). San Francisco: Harper & Row, Publishers.
- Kohlberg, L. (1984). *Essays on moral development: The psychology of moral development* (Vol. 2). San Francisco: Harper & Row, Publishers.

- Lee, M.J., Whitehead, J. & Ntoumanis, N. (2007). Development of the Attitudes to Moral Decisions in Youth Sport Questionnaire. *Psychology of Sport and Exercise*, 8, 369-392.
- Miller, B. W., Roberts, G. C. & Ommundsen, Y. (2005). Effect of perceived motivational climate on moral functioning, team moral atmosphere, and the legitimacy of intentionally injurious acts among competitive youth football players. *Psychology of Sport and Exercise*, 6, 461-477.
- Minnameier, G & Schmidt, S. (2013). 'Situational moral adjustment and the happy victimizer', *European Journal of Developmental Psychology*, 10 (2).
- Myvlr., & Ralph. (1390). The fundamental basis of structural equation modeling: Introducing LISREL and AQS software . Siavash Talepasand's Translation . Semnan: Semnan University.
- Pargman, D. (1998). Understanding sport behavior. New Jersey: Prentice – Hall, Inc.
- Piaget, J. (1932). The moral judgment of the child (Gabain, M. (trans)). New York: The Free Press.
- Posada, R., & Wainryb, C. (2008). Moral development in a violent society: Colombian children's judgments in the context of survival and revenge. *Child development*, 79(4), 882-898.
- Proios, M. (2010). Development and validation of a questionnaire for the assessment of moral content judgment in sport. *International Journal of sport and exercise psychology*, 8(2), 189-209.
- Rest, J.R. (1979). Development in judging moral issues. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Rokeach, M. (1973). The nature of human values. New York: Free Press.
- Rudd, F. Mullane, S. & Stoll, SH. (2010). Development of an Instrument to Measure the Moral Judgments of Sport Managers. *Journal of Sport Management*, 2010, 24, 1. © 2010 Human Kinetics, Inc.
- Shields, D., & Bredemeier, B. (1995). Character development and physical activity. Champaign, IL: Human Kinetics.
- Shields, D.L., Bredemeier, B. J., Gardner, D. E., & Bostrom, A. (1995). Leadership, cohesion, and team norms regarding cheating and aggression. *Sociology of Sport Journal*, 12, 324-336.
- Shoaibi, F. (1392). Moral judgment. Electrici sabz Publication.
- Sinha, D. & Miravarma. (1379). Moral judgment test. Abolfazl Karami's Translation .tehran. Psychometric publishing center.
- Stephens, D. E. (2000). Predictors of likelihood to aggress in youth soccer: An examination of coed and all-girls teams. *Journal of Sport Behavior*, 23, 311-325.

- Stephens, D. E. (2001). Predictors of aggressive tendencies on girls' basketball: An examination of beginning and advanced participants in a summer skills camp. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 72, 257-266.
- Vallerand, R. J., Briere, N., Blanchard, C., & Provencher, P. (1997). Development and validation of the multidimensional sportspersonship orientation scale. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 19, 197-206.
- Webb, H. (1969). Professionalization of attitudes towards play among adolescents. In G. S. Kenyon (Ed.), *Aspects of contemporary sport sociology* (pp. 161-178). Chicago, IL: The Athletic Institute.
- Weiss, M. R., & Bredemeier, B. (1983). Developmental sport psychology: A theoretical perspective for studying children in sport. *Journal of Sport Psychology*, 5, 216-230.
- Weiss, M.R., & Smith, A. (2002). Moral development in sport and physical activity: Theory, research, and intervention. In T. Horn (Ed.), *Advances in sport psychology* (pp. 243-280). Champaign, IL: Human Kinetics.

پیوست‌ها

پیوست A

نسخه فارسی پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش

کاملاً موافقم	موافقم	نه مخالفم و نه موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	پرسش‌ها	
					آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با مصلحت اندیشی به حریفان هنگامی که آنها در معرض خطر هستند مشخص می‌شود.	۱
					آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تمایل به ایجاد قوانین یکسان برای همه در تمرین مشخص می‌شود.	۲
					آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با قبول تخلفاتم مشخص می‌شود.	۳

				۴	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با قبول خطاهایم مشخص می‌شود.
				۵	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با احترام به مسئولان (مربی، داوران، مدیران) مشخص می‌شود.
				۶	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با احترام به حریف مشخص می‌شود.
				۷	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با (عدم تمایل به تنزل‌شان و منزلت حریفان) مشخص می‌شود.
				۸	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با بازی جوانمردانه مشخص می‌شود.
				۹	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با قبول تصمیم‌های داوران مشخص می‌شود.
				۱۰	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تمایل به پاداش مشخص می‌شود.
				۱۱	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تلاش برای به دست آوردن جایزه مشخص می‌شود.
				۱۲	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تلاش برای به دست آوردن جایگاهی به عنوان بازیکن مشخص می‌شود.
				۱۳	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با چشم اندازی برای پذیرش اجتماعی مشخص می‌شود.
				۱۴	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با نمایش (ارائه) مهارت‌های بهتر نسبت به دیگران مشخص می‌شود.
				۱۵	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تمایل به نتایج مثبت تیم‌ام مشخص می‌شود.

					۱۶	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش در جهت رضایتمندی هم تیمی‌هایم مشخص می‌شود.
					۱۷	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تمایل به نتایج منفی برای تیم‌ام مشخص می‌شود.
					۱۸	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تلاش برای کمک به تیم‌ام مشخص می‌شود.
					۱۹	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با ایجاد فرصت‌های برابر برای تشخیص هم‌تیمی‌هایم مشخص می‌شود.
					۲۰	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تلاش برای پیشرفت مهارت‌هایم مشخص می‌شود.
					۲۱	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با اعتماد به شایستگی‌های خودم (احترام به خود) مشخص می‌شود.
					۲۲	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با شجاعت (دلآوری) و قوت قلب مشخص می‌شود.
					۲۳	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با پیگیری برای دستیابی به اهدافم مشخص می‌شود.
					۲۴	آیا من باور دارم که اعمال من در ورزش با تلاش برای انجام وظیفه‌ام مشخص می‌شود.

پیوست B

نسخه انگلیسی پرسش‌نامه محتوای قضاوت اخلاقی در ورزش

Items	Factors				
	1	2	3	4	5
<i>Normative Order</i>					
1. Interest in the opponents when the latter are in danger.	.66				
2. A wish to put the rules into practice in the same way for everyone.	.47				
3. Acknowledgement of my infringements.	.42				
4. Acknowledgement of my faults.	.46				
<i>Fairness</i>					
5. Respect to the officials (coaches, referees, administrators).		.68			
6. Respect to the opponent.		.72			
7. A disposition not to degrade the opponents' dignity.		.75			
8. Fair play.		.50			
9. Conformity to the referees' decisions.		.76			
<i>Egoistic Consequences</i>					
10. A wish for reward.			.56		
11. An effort to gain award.			.67		
12. An effort to gain establishment as a player.			.73		
13. A prospect for social acceptance.			.80		
14. An exhibition of better skills than the others'.	.41		.54		
<i>Social Consequences</i>					
15. An interest in the positive consequences for my team.				.79	
16. A pursuit for the satisfaction of my team's wishes.				.57	
17. An interest in the negative consequences for my team.				.60	
18. An effort to help my team.				.75	
19. A disposition for equal opportunities for distinction among my teammates.				.56	
<i>Harmony-Serving Consequences</i>					
20. An effort to improve my skills.					.54
21. A reliance on my own virtue (self-respect).					.73
22. Courage and nerve.					.75
23. A pursuit for the achievement of my aims.					.58
24. An effort to do my duty.					.55